

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ک. ابراهیم
۳۱ می ۲۰۱۸

دو روش متضاد در مبارزه طبقات متخاصم با یکدیگر!

در تاریخ چند هزار ساله جوامع طبقاتی، حاکمان ارتجاعی جهان با ردیف کردن فریب و دروغ از لحظه ای تا پایان تاریخ جهت حفظ وضع حاکم و محکوم درنگ نکرده و به اشاعه آن پرداخته اند.

از آن جمله، وجود نابرابری در جوامع متکی بر مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله را به دروغ امری "مقدس" معرفی کرده اند: "برابرنبودن ۵ انگشت بشر" باهم را دلیل اثبات ضرورت وجود این نابرابری، به مثابه امری طبیعی و ابدی تبلیغ کرده اند که سراسر بی پایه است. این روش به گمراهی کشاندن توده های مردم، به صورتهای مختلف به جوامع جهان توسط حاکمان تزریق شده و در کشاندن طبقات محکوم به پذیرش این حیطة تزویر و ریا و رسوخ دادن آن پیوسته تلاش صورت گرفته است. اما عناصر آگاه و متفکر در گذشته تاریخی جوامع طبقاتی، به افشای این فریب کاری و دروغ پردازیهای طبقات حاکم پرداخته و اصرار ورزیده اند: "نیاید به نزدیک دانایند – شبان خفته و گرگ در گوسفند" و در عصرهای روشنگری با حضور پرولتاریا و مبارزه با دزدان نیرنگ باز حاکم با دیدگاه انقلابی کمونیسم علمی، مواضع ارتجاعی مملو از فریب و ریا را برملا ساخته اند.

به عنوان نمونه، در سالهای اول قرن بیست و یکم، شاهد دروغ پردازیهای قدرتمندترین حاکمان کشورهای امپریالیستی و در کشورهای عقب مانده هستیم که بیشتر از هر زمان گذشته تا بدان جا پیش رفته اند که مرز بین درست و نادرست را با تمام توان خود مخدوش نموده و این دروغها را به عنوان نکات درست و واقعی تجاوزات وحشیانه ای سازمان داده اند. از جمله برنامه توجیه گسترش تجاوزات بربرمنشانه به خاورمیانه را با بال و پر دادن جریان تروریستی القاعده از یک سو و نسبت دادن به حملات هوانی آنان به دو آسمان خراش وال استریت نیویورک، از سوی دیگر، زمینه را برای تجاوزات نئوکانهای حاکم امریکا با حمله نظامی به افغانستان (۲۰۰۱) و اشغال این کشور تا به امروز را با این دروغ برنامه ریزی کردند. باحیله مجدد وجود سلاحهای کشتار جمعی در عراق – علی رغم تکذیب آن توسط بازرسان ملل متحد – تجاوز نظامی حاکمان نومحافظه کار امریکا به عراق (۲۰۰۳) سازمان داده شد. امروز نیز تشدید تضاد منافع بین امپریالیستهای شرق و غرب – مشخصاً بین امریکا با روسیه رقیب یکدیگر – دروغ مسموم کردن یک جاسوس دوجانبه روسیه و انگلیس و دخترش توسط روسها را با کمک امپریالیسم انگلیس به بحران جدی دیپلماتیک مبدل نمودند. سپس با استفاده ای مشکوک از روش گرفتار نمودن کودکان با گاز ضد تنفسی کیمیائی توسط نیروهای تروریستی در شرایطی که پیشروی ارتش سوریه آنان را به هزیمت و شکست از منطقه کشانده بود، امپریالیستهای امریکا، انگلیس و فرانسه با

نسبت دادن دروغین آن به ارتش سوریه علیه مردم، جنگ سرد گذشته را به سطح بالاتر جنگ ولرم دخالت مستقیم جنگی در تجاوز به سوریه ارتقاء دادند. راه اندازی جریان تروریستی داعش از جمله با بسیج عده ای در کشورهای اروپایی به زیر رهبری ابوبکر البغدادی نمونه دیگری به زیرسلطه درآوردن خاورمیانه و غیره به منظور حکمرانی بر جهانیان را خونسردانه به اجراء درمی آورند.

پدیده فریب و ریاء در کشورهای عقب مانده نیز مشخصاً توسط هیأت حاکمه از جمله در ایران با دروغ پردازیهای مشابهی، هیچ گاه قطع نشده است. اینان شیره مالیدن بر سر مردم را پیوسته اتخاذ کرده و به کار برده اند. به طوری که در جریان مبارزه کارگران و زحمت کشان علیه رژیم سلطنتی - "شاه سایه خدا است" - و نیروهای مدافع حاکمیت اسلامی- با پیش کشیدن شعار "نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی" و "مرگ بر امریکا" - خود را مخالف با امریکا معرفی کردند. درحالی که در همان ایام مخفیانه و قبل از دست یابی به قدرت دولتی در مذاکره و سازش با امپریالیسم امریکا توانستند بر سرضدیت با کمونیسم و حفظ نظام سرمایه داری، ارتش وابسته رژیم سلطنتی را به کمک امپریالیسم منفعل ساخته، و درپناه این شعار "ارتش برادرماست" دروغین و گول زدن توده های مردم در رأس قدرت دولتی ایران قرار بگیرند. خمینی به مردم قول داد که به جرگه طلبه ها در قم می پیوندد، و مسأله اش قرار گرفتن در رأس قدرت دولتی نیست. اما آن قول بیشتر از یک ماه طول نکشید. با دروغ دیگر مجانی کردن بهای استفاده از آب و برق و تأمین مسکن در طبل توخالی تبلیغاتی حاکمان جدید، جهت گمراه ساختن مردم دمیده شد. سپس ایران را به بزرگترین قتل گاه مبارزان کمونیست و آزادیخواه تبدیل نمودند. با زنان و کارگران به طور وحشیانه ای رفتار کردند و امروز مدعی وجود آزادیهای مردم ایران هستند و به جای خدمت به مستضعفان، ایران را به بزرگترین مستضعف ساز جهان مبدل کرده اند!

این ایدئولوژی فریبکار حاکم در کشورهای سرمایه داری در میان بخش عظیمی از نیروهای فعال به ظاهر ضد رژیم در میان کارگران و زحمت کشان نیز رخنه کرده و همین دودوزه بازیها و دروغ گوییها در میان این نیروهای سیاسی، اخلاص و فرقه گرایی مخربی به وجود آورده است. با رایج نمودن این طرز تفکر و روشهای مذموم از جانب اقشار و طبقه مدافع رژیم جمهوری اسلامی ایران در جامعه، نیروهای سیاسی ظاهراً مخالف نظام حاکم "معصومانه" گرفتار این ریاکاری شده اند.

برای اثبات این ادعا از این جا شروع می کنم که با بررسی دقیق فعالیتهای طبقه کارگر طی ۲۰۰ سال مبارزه طولانی سخت و بخرنج توأم با مرگ و زندگی، در کسب حقوق دزدیده شده خویش، گرویدن صادقانه و مصممانه بخشی از عناصر وابسته به بورژوازی به صف مقدم و پیشروی طبقه کارگر، با آموختن از مبارزه طبقاتی کارگران، دست یابی به بینش ماتریالیسم دیالکتیک، طرد دیدگاههای ایده آلیستی و یک جانبه، تحلیل حرکت مبارزات طبقاتی در تاریخ چند هزارساله بشر و کشف مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله به مثابه علت العلل برقراری استثمار و ستم تولیدکنندگان، و افشای ریاکاری حاکمان را به طور علمی به وجود آمد. این تئوری علمی تأکید نمود که عامل عمده به وجود آورنده این ازخودبیگانگی و ریاکاریها از تحمیل مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله توسط اقلیت حاکم است. لذا بشریت در تغییر وضع نابرابری موجود با ایجاد احزاب راستین انقلابی کمونیست در کشورهای جهان براساس این تئوری، تلفیق این دیدگاه عمیق مادی و دیالکتیکی همه جانبه به شرایط مشخص هر کشور، پیشروی مبارزات و انقلاب کارگری جهت نابود کردن طبقات متخاصم با برقراری سوسیالیسم و کمونیسم می تواند صورت گیرد. تاریخ مبارزات طبقه کارگر در ۲۰۰ سال اخیر و کسب قدرت توسط پرولتاریا نشان داد پیروزی این مبارزات درگرو محکم به دست گرفتن این تئوری و پیاده کردن آن در شرایط عملی هر کشور می باشد.

آیا این دستاورد علمی طبقه کارگر از جمله در ایران به کار بسته شد؟ یا با نفوذ برخورد غیرمسئولانه به این اصول و گرویدن به دروغپردازیهای غیرپرولتاری به خصوص توسط رهبری تشکلهائی که خود را کمونیست می پندارند، به روند فرقه گرایی و خودمرکز بینی و تضعیف صف متحد و مبارز واحد طبقه کارگر انجامیده است:

(۱)- آیا کمونیسم علمی، رهنمود ایجاد احزاب مختلف کمونیست در یک کشور و از جمله در ایران را توصیه کرده یا نه؟ و اگر نه، چرا تشکیل دهندگان این تشکلهای از اصول کمونیستی به بی راهه های ناکجا آباد ترسیم شده توسط بورژوازی و خرده بورژوازی کشانده شده اند؟ **جواب مسلماً این است که عملی کردن پلورالیسم حزبی بزرگترین سرگردانی را در این طیف از نیروها به وجود آورده است.**

عدم اعتماد طبقه کارگر و توده های زحمت کش به این احزاب و تشکلهای در ایران نشانی است از هشیاری طبقاتی کارگران، که این فرقه گرایان، با شکست مواجه شده اند. این رخ داد نشان داد که نمونه عدم اجرای رهنمود حزبی کمونیسم علمی، تحمیل فرقه گرایی به جای ایجاد وحدت نظری و عملی تشکیلاتی و رهبری فہیم و توانا در پیوند و شرکت فعال کارگران کمونیست، کج راه غیرکارگری و غیر کمونیستی می باشد.

چنین روش بیگانه از رهنمود کمونیسم علمی در پراتیک مبارزاتی طبقاتی طبقه کارگر، با عدول از آن، با پیروی از آموزه های بورژوازی حاکم کنونی در دامن زدن به فرقه گرایی و خودخواهیها به ویژه توسط رهبران این تشکلهای فراتر نمی تواند برود.

پس کمونیستهای راستین در درون این تشکلهای که تنوری کمونیسم علمی را قبول دارند، علیه تفرقه افکنان اخلال گر در این تشکلهای باید قاطعانه به پا خیزند و با قدرت تمام براساس رهنمودهای پیروز کمونیسم علمی در ایجاد حزب کمونیست انقلابی واحد ایران در پیوند فشرده با کارگران که ستون اصلی این حزب باشند، دست به دست هم داده و این امر مبرم کنونی طبقه کارگر را عملی سازند؟

(۲)- مگر نه این است که کسانی که از درون مبارزه طبقاتی طبقه کارگر به تنوری کمونیسم علمی دست یافته و به مبارزه پرداخته اند نظیر زنده یاد شاهرخ زمانی که با شورش و حرارت بی نظیری از تجارب انقلابی به دست آمده در دوره کوتاهی از حیات مبارزاتی پرثمر خود در خدمت به ایجاد حزب و تشکلهای توده ای کارگران پافشای نمود، اکنون وظیفه کمونیستهاست که باید نشان دهند از نظرات علمی کارگران کمونیست آگاه می آموزند و در ایجاد حزب کمونیست انقلابی واحد ایران به آن عمل می کنند؟

اما در میان بسیاری از نیروهای چپ جدا از طبقه کارگر، نه تنها به اجرای رهنمودهای کمونیسم علمی خود را موظف نمی دانند، بلکه از دستاوردهای انقلابی طبقه کارگر در کسب قدرت و ساختمان سوسیالیسم در قرن گذشته نیز دفاع نکرده و در موضع مشابه دشمنانه ای ایستاده اند که نظام جهانی سرمایه داری در نفی این دستاوردها دروغهای شادخار سیاه نمائی را علیه انقلابهای سوسیالیستی و دموکراتیک نوین تحت رهبری حزب کمونیست و دست آوردهای سوسیالیسم پخش کرده اند.

گرچه نمونه های فراوانی در این مورد موجود است که ذکر آنان به قول معروف مثنوی ۷۰ من کاغذ می شود، ولی باید تأکید نمود که دروغهای امپریالیستها و کمونیستهای منحرف در نفی دستاوردهای کمونیستها و طبقه کارگر، صدمه بزرگی به اعتبار جنبش آگاه کمونیستی و انقلاب کارگری و ساختمان سوسیالیستی تا بدان حد زده اند که نظام سرمایه داری توانسته است با وجود به راه انداختن جنایات عظیم، خود را آخرین مرحله رهایی بشریت معرفی کند و تفرقه گری در میان جنبش کارگری را به بحران هویتی بزرگی تبدیل نماید.

۳- درحالی که ندای رسای پیشروان طبقه کارگر مبرم بودن ایجاد حزب کمونیست در ایران در دهه اخیر توسط شاه رخ زمانی به گوش همه رسیده، اما جماعتی برخاسته از میان طبقه کارگر و با ادعای یافتن مرض تفرقه و پراکندگی، تئوری جدیدی را نه در پیاده کردن نظرات شاه رخ و اصول کمونیسم علمی بلکه در شروع از صفر، با طرح تجمع "بدون شرط و شروط گذاشتن برای هیچ کس و پذیرش بستر سازی" برای تدارک ایجاد حزب و برای ساخته شدن آن "یک قدم عقب تر از ایجاد حزب برداشت" را پیش کشیده، مبارزه اصولی و علمی را کنار گذاشته و خط بطلان به تجارب گذشته پیروز علمی طبقه کارگر و کمونیستها زده و دلیلی هم که ارائه می شود این است که "وجود اصول و برنامه و تاکتیک در ایجاد حزب" روش درستی نیست و در ۸۰ سال اخیر هم این کار غلط بوده و به جایی نرسیده است! از این طریق عنصر مبارزه ایدئولوژیک فعال طبقاتی و کمونیستی را فدای روشی می کنند که از نظر تاریخی اثبات شده نیستند؟! شما چه دلیلی دارید که برنامه های فرقه ئی و نه جمعی کمونیستی، در ایجاد حزب واحد کمونیست انقلابی در ایران ارائه شده که با آموزشهای کمونیسم علمی مطابقت داشته اند اما کاری نیافتادند؟ از جمله از طریق کارگری نبودن اکثریت عظیم این تشکلهای؟ روشنفکرانی که از خارج کشور در آستانه انقلاب بهمن ۱۳۵۷ وارد ایران شدند و در شرایط ناتوانی تئوریک "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه له -" و عدم پذیرش تشکیل سمینار با دعوت تشکلهای موجود در کردستان به دروغ با انگ پوپولیستی زدن به دیگر نیروهائی که رهبری طبقه کارگر بر دیگر نیروهای خلقی را، قبول داشتند، به اتهام دنباله روی از بورژوازی انگ زدند، خود را به نام "حزب کمونیست ایران" معرفی کردند. انشعابات مکرر بعد از "ایجاد حزب کمونیست ایران" نشان داد که در ابتدای کار مشترکشان سرهم بندی و عدول از رهنمود کمونیسم علمی در ایجاد حزب واقعاً کمونیستی صورت گرفته بود. طولی نکشید که انشعابگری در میان رهبران این حزب بزرگترین ضربه را به تشکلهای چپ مدافع کمونیسم زدند. امری که نشان داد برنامه این حزب کیفیت کمونیستی و کارگری نداشته است.

بدین ترتیب، به علاوه پرچم "پرولتاریای کشورها متحد شوید!" تحت اصول کمونیسم علمی توسط این احزاب مدعی "خود بهترین"، صورت نگرفت. جالب این که بعد از گذشت نزدیک به ۴۰ سال هنوز این تشکلهای مدعی حزب کمونیست ایران بودن نه تنها در داخل نتوانسته اند طبقه کارگر ایران را به سوی حزب جلب کنند، بلکه کوچکترین قدمی هم در خدمت به ایجاد انترناسیونالیسم پرولتری کمونیستی برنداشته و برنامه ای هم در تحقق این مورد، نداشته اند. به این اعتبار در شرایط فقدان محکم به دست گرفتن تئوری کمونیسم علمی و تهیه برنامه انقلابی در کار مشترک کمونیستها در سطح کشوری و جهانی تا به حال صورت نگرفته و کار فرقه ئی مصرانه انجام یافته که نتیجه اش کار ساز نبودن ایجاد احزاب مختلف در هر کشور هم عیان شده است.

۴- و اما در رابطه با ایجاد حزب: امروز آنانی که با پیشنهاد "شرط و شروط نگذاشتن و بستر سازی" وارد کارزار شده و آموزشهای کمونیسم علمی را کنار گذاشته و می خواهند از صفر کار را شروع کنند در توجیه نظر خود مدعی می شوند که مخالف نظری هستند که می خواهد در خارج از ایران حزب بسازد!

آیا در شرایطی که خط پلورالیسم سیاسی در خارج از ایران بی داد می کند، این ادعای جدید در زمره دروغها و یا ریاکاریهائی است که اولاً اگر این ادعا درست باشد، چرا در این ۴۰ سال اخیر در خارج "حزب کمونیست ایران" به وجود نیامده؟ و ثانیاً بودند تشکلهائی که به خاطر غلبه بر سکتاریسم موجود ضرورت وحدت کمونیستها را در پیوند با طبقه کارگر خواستار بودند را عامدانه به ایجاد حزب در خارج متهم کردند تا خدشه ای به تداوم فرقه گرائی وارد نشود. اما ایجاد حزب در هر کشوری منوط به تشکیل کنگره مؤسس آن در خارج و یا در داخل نیست، بلکه تشکیل موفقیت آمیز آن با ایجاد آمادگی نظری و عملی با استخوانبندی اساسی کارگری آن در داخل مسأله ی اساسی است که این هم توضیح

واضحات است که این برنامه و کیفیت کارگری آن منوط به مبارزه شدید ایدئولوژیک – سیاسی – تشکیلاتی و سبک کاری و محکم به دست گرفتن آموزه های کمونیسم علمی در ایجاد حزب است. با گشادبازی بدون شرط و شروط و در بستر پر از خار و خاراسنگ طبقاتی، ایجاد تجمعی از دگماتیستها، سکتاریستها، اپورتونیستها، پلورالیستها، اکونومیستها، آنارشئیستها، انحلال طلبها، رویزیونیستها، منفی بافان و غیره و غیره نشان دهنده درکی معلول از مبارزه طبقاتی می باشد که راه حل همه جانبه ای ارائه نمی دهد و حاضر به بیرون آمدن از سراب نیست؟ درحالی که با قبول رهنمودهای کمونیسم علمی و تلاش روی وحدت دهی در مشخص کردن آنها در پیوند با طبقه کارگر دقیقترین راه حل برای تحقق تشکیل حزب کمونیست انقلابی واحد ایران می باشد.

با توجه به آن چه که گذشت کمونیستها درجست و جوی کارگران کمونیست و روشنفکران کمونیست راستگو همت گماشته و صف متحد و مصممی را در ایجاد حزب به صورت امری مبرم و اجتناب ناپذیر گام بگذارند و زنجیرهای طبقات ارتجاعی به پای طبقه کارگر و روشنفکران کمونیست بسته شده را از هم بگسلند.

اول اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۷ (۲۱ اپریل ۲۰۱۸)